



Studies on Israel - US
Vol 25. No 1. Spring 2024
Received date: 2024.01.20
Acceptance date: 2024.02.16



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

An Analysis of I.R. of Iran and U.S.A. Foreign Policy towards ISIS in Iraq from the Perspectives of Neo-Institutional Theory

Seyed Saeed Hassanzadeh¹



Abstract

Iraq after the invasion of U.S.A in 2011, has been involved in many developments. But the issue Which is involved Iraq in massive crisis, has been attack Islamic State to this country in 2014. ISIS in the years of 2014 to 2016, had progress in Iraq. Now Iraq crisis has attracted many regional and trans-regional power. Iran as a regional power and U.S. as trans-regional power, including other countries are present in this crisis. The main question in this article is regarding to Neo-institutional theory, can I.R. of Iran and U.S.A in Iraq crisis, have Political-military cooperation under the auspices of an international organization? The paper assumes is that axis Ideology approach of Islamic Republic of Iran and also the purely self-interested of U.S. double game in dealing with developments, deterring the two countries to work together for fighting against the Islamic State in Iraq. Our research method in this paper is descriptive and analytical with using of library tools.

Keywords: Iraq crisis, ISIS, Institutional Neo-liberalism, Islamic Republic of Iran, United States of America.

1 - PhD Student in Political Studies of the Islamic Revolution, Shahed University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

تحلیل و بررسی رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در قبال داعش در عراق از منظر نظریه نئولیبرالیسم نهادگر

سید سعید حسن‌زاده^۱



چکیده

کشور عراق پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۱، درگیر تحولات بسیاری است. اما موضوعی که عراق را درگیر بحران عظیمی نموده است، حمله گروه تروریستی داعش به این کشور در سال ۲۰۱۴ بوده است. گروه تروریستی داعش در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ پیشروی‌هایی در خاک عراق داشته است. بحران عراق اکنون توجه بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را به خود جلب نموده است. ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و آمریکا به عنوان قدرت فرا منطقه‌ای از جمله کشورهایی هستند که در این بحران حضور دارند. سوال اصلی مقاله این است که آیا می‌توان طبق نظریه نئولیبرالیسم نهادگر، برای ایران و آمریکا در بحران عراق، همکاری سیاسی - نظامی تحت لوای یک سازمان بین‌المللی قائل شد؟ مفروض مقاله این است که رویکرد ایدئولوژی محور نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین نگاه صرفاً منفعت‌طلبانه و بازی دوگانه آمریکا در برخورد با تحولات، این دو کشور را برای همکاری با یکدیگر علیه مبارزه با داعش در عراق باز می‌دارد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار اسنادی است.

واژگان کلیدی: بحران عراق، داعش، نئولیبرالیسم نهادگر، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا.

مقدمه

در سال‌های آغازین قرن ۲۱ شاهد بروز انقلاب‌ها و تحولات سیاسی در مناطق مختلف دنیا بوده‌ایم که در این میان، منطقه خاورمیانه از جمله مهم‌ترین این مناطق می‌باشد. یکی از کشورهای که در خاورمیانه با این تحولات روبه‌رو گردیده است، کشور عراق می‌باشد. آغاز بحران سیاسی عراق به سال ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به این کشور بر میگردد. با گذشت چند سال از آغاز ناآرامی‌ها در عراق، این مسئله به خوبی نمود یافته است که این تحولات امروزه تبدیل به میدان رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای شده است. به همین منظور سیر رخدادها در عراق به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی آن، باعث گردیده است که توجه به این کشور در عرصه بین‌المللی دوچندان شود و نگاه جامعه بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کند. پس از حضور داعش در عراق و تصرف بخشی از اراضی این کشور، ائتلافی به رهبری ایالات متحده آمریکا متشکل از بیش از ۲۰ کشور برای مبارزه با گروه تروریستی داعش شکل گرفت و در کشورهایی همچون عراق و سوریه به عملیات نظامی علیه این گروه تروریستی پرداختند.

جمهوری اسلامی ایران نیز از آنجایی که مبارزه با تروریسم را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده است، از آغاز پیدایش این گروه تروریستی، موضع مقابله جویانه‌ای را اتخاذ کرد و با اعزام مستشاران نظامی خود در دو کشور عراق و سوریه، به مقابله و مبارزه با داعش پرداخت. اما مسئله‌ای که دارای اهمیت است، نوع مبارزه دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا با داعش و عدم همکاری نظامی در خور توجه این دو کشور جهت مقابله با تروریسم در عراق و سوریه است. مقاله حاضر در نظر دارد تحولات مربوط به حضور گروه تروریستی داعش در عراق که از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۶ می‌باشد را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد و ضمن توجه به خود بحران، در چارچوب نظریه نئولیبرالیسم نهادگرا، این مسئله را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد که آیا می‌توان با استفاده از این نظریه، همکاری سیاسی - نظامی برای ایران و آمریکا تحت لوای یک سازمان بین‌المللی، طبق نظریه نئولیبرالیسم نهادگرا قائل شد؟

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که در پی بررسی و تبیین عملکرد سیاست خارجی دو قدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در یک بحران، به‌خصوص مبارزه با تروریسم و گروهی با نام داعش است. هر دو کشور در جهت‌گیری‌های گوناگون خود و بیانیه‌های رسمی خود، عزم جدی خود را برای مبارزه با تروریسم و ریشه کن کردن آن بیان می‌کنند، اما در عمل آنچه که جامعه بین‌المللی مشاهده می‌کند،

رویکردهای متناقض ایالات متحده در این راستا است. حال این پژوهش در صدد است تا ضمن تبیین و تحلیل عملکرد دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا علیه مبارزه با داعش در بحران عراق، از منظری دیگر و به شیوه‌ای نو، ضمن بررسی نقاط افتراق و اشتراک سیاست خارجی و همچنین موانع همکاری دو کشور علیه مبارزه با تروریسم در عراق، به تحلیل این موضوع بپردازد که آیا می‌توان با استفاده از نظریه نئولیبرالیسم نهادگرا، همکاری برای دو کشور در جهت مبارزه علیه داعش قائل شد؟ آیا این دو کشور می‌توانند برای مبارزه با تروریسم در عراق، با همدیگر همکاری اطلاعاتی و نظامی داشته باشند؟ پاسخ به این سوالات و همچنین ارائه پاسخی مناسب برای آزمون فرضیه، هدفی است که این پژوهش به دنبال تبیین و ارزیابی آن است.

پیشینه پژوهش

بحران عراق چندین سال است که در صدر اخبار رسانه‌ها و مطبوعات کشورهای دنیا قرار گرفته است، به طوری که این بحران و مسائل مربوط به آن، در اولویت سیاست خارجی بعضی از کشورهای مهم و تأثیرگذار در معادلات امنیتی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار گرفته است. بنابراین بدیهی است که پژوهشگران و محققان عرصه سیاست، جهت واکاوی علل بروز، تداوم و تشدید این بحران و همچنین نقش کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در این بحران، به مطالعه و پژوهش بپردازند. گرچه در مورد بحران عراق و به‌ویژه نقش ایران و آمریکا در بحران کنونی این کشور مقالات بسیار کمی به رشته تحریر درآمده است و در اکثر منابع صرفاً به بررسی روابط ایران و آمریکا پرداخته شده است، اما به صورت مختصر بخشی از پژوهش‌های انجام شده توضیح می‌دهیم. اسدی با نگارش مقاله‌ای با عنوان «ایران و آمریکا در عراق: تنوع کنش‌ها» بیان می‌دارد که علی‌رغم اینکه دو کشور ایران و آمریکا در طول دهه‌های متوالی دارای اختلافات عمیق و ایدئولوژیکی بوده‌اند، اما در مورد عراق و بروز تهدیداتی مشترک در این کشور باعث شده است تا این دو کشور بتوانند با یکدیگر همکاری‌هایی را داشته باشند (اسدی، ۱۳۹۳). درویشی و همتی در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روند آینده پژوهشی، رویکرد احتمالی آمریکا نسبت به ایران را در دهه آینده مورد بررسی قرار می‌دهد و سیاست مقابله‌گرایانه توأم با همکاری‌های محدود به‌خصوص در مسائل منطقه‌ای را جز محتمل‌ترین گزینه‌ها می‌داند (درویشی سه تالانی و همتی، ۱۳۹۵). یوسفی نیز در مقاله خود با عنوان «نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در بحران سوریه و عراق» به این مسئله می‌پردازد که کشورهای ایران، روسیه و چین تمامیت ارضی عراق و سوریه را به رسمت می‌شناسند،

اما کشورهای دیگری مثل آمریکا، انگلیس، فرانسه و ترکیه در قبال این کشورها و بحران‌های موجود در آنها، سیاست‌های متناقض و تنش‌زایی را اتخاذ می‌کنند (یوسفی، ۱۳۹۵). موسویان با تالیف کتابی با عنوان «ایران و آمریکا (گذشته شکست خورده و مسیر آشتی)» با نگاهی تاریخی، ابعاد و زوایای وضعیت کنونی دو کشور را روشن می‌سازد و از طریق تحلیل سیاسی حوادث و رویدادها، سعی دارد به زمینه‌ای برای تفاهم برسد. از منظر تاریخی کتاب سه مرحله مختلف از آغاز روابط ایران و آمریکا را تا به امروز مورد بررسی قرار می‌دهد. از منظر سیاسی این کتاب با تفسیر حوادث تاریخی مسیری را که به ظهور احمدی‌نژاد و تصمیمات او در عرصه روابط خارجی منجر شد واکاوی نموده و سعی می‌کند دیدگاه‌های دو طرف به‌ویژه ایران را درباره مسائل بازگو کند (موسویان، ۱۳۹۴).

همین‌طور یزدانی و تویسرکانی در مقاله خود با عنوان «دگرگونی‌های سیاسی عراق و روابط ایران و آمریکا» ضمن بررسی روابط ایران و آمریکا، اذعان می‌دارند که پارامترهای سه‌گانه شیعیان عراق و حضور آنها در رأس حکومت، چارچوب قانون اساسی و فرایندهای امنیتی عراق، باعث ایجاد هماهنگی میان اهداف و منافع ایران و آمریکا در عراق خواهد شد (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۵). در حوزه مطالعات خارجی نیز مقالاتی در این باب نوشته شده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب «دستور کار ایران: داستان واقعی سیاست آمریکا و بحران خاورمیانه» از ارلیش^۱ و اسپر^۲ (۲۰۱۶)، «دستگاه سیاست خارجی آمریکا در یازدهم سپتامبر، افغانستان، عراق، ایران، سوریه و داعش» از میتز^۳ و وین^۴ (۲۰۱۶)، «عراق در بحران» از کردسمن^۵ و کازای^۶ (۲۰۱۴)، اشاره کرد. تفاوت کار این پژوهش با اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در این می‌باشد که پژوهش‌های دیگر اکثراً بررسی خود را محدود به تحلیل بحران عراق کرده‌اند و از نقش بازیگران متعددی که در این بحران حضور دارند، غافل مانده‌اند یا صرفاً نقش یک بازیگر را در بحران مورد نظر مورد تحلیل قرار داده‌اند. پژوهش‌های بسیار کمی در مورد نقش ایران و آمریکا در بحران عراق صورت گرفته است. در حالی که ایران و آمریکا در صدر کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بودند که نسبت به این بحران واکنش نشان داده و بعد از مدتی به صورت عملی وارد عرصه مبارزه در این کشور شدند. همچنین تا کنون هیچ پژوهشی که به صورت مقایسه‌ای سیاست

1 - Erlich

2 - Scheer

3 - Mintz

4 - Wayne

5 - Cordesman

6 - Khazai

خارجی دو کشور ایران و آمریکا را در تحولات عراق مورد بررسی قرار دهد، صورت نگرفته است و این مسئله همان نکته‌ای است که این پژوهش در صدد واکاوی و تحلیل آن می‌باشد.

چارچوب نظری

تحلیل ارائه شده در این مقاله در چارچوب نظریه نئولیبرالیسم نهادگرا صورت می‌گیرد. نئولیبرالیسم نهادگرا یکی از نظریه‌های جریان اصلی و از گرایش‌های مهم لیبرالیسم است که ضمن تاکید بر نقش مهم دولت‌ها در عرصه بین‌المللی و در برقراری صلح و امنیت، به روابط در فراسوی دولت‌ها نظر دارد. این نظریه ریشه در اندیشه‌های کانت^۱ برای تشکیل حکومت جهانی و آرمان‌گرایی اوایل سده بیست دارد و با تعمیق وابستگی متقابل میان کشورها، گرایش نهادها، سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. نئولیبرالیسم نهادگرا نیز مانند واقع‌گرایی می‌پذیرد که فضای حاکم بر صحنه بین‌الملل عرصه آنارشی است و چنین فضایی امنیتی ملی و بین‌المللی را به خطر می‌اندازد، اما راهکار آنان برای حفظ امنیت در صحنه بین‌الملل کاملاً متفاوت است. صاحب‌نظرانی که در چارچوب این نظریه در عرصه مطالعات بین‌الملل شناخته شده‌اند، بر این باور هستند که برای ایجاد امنیت و حفظ صلح باید رفتار دولت‌ها مهار و کنترل شود و این کار با ایجاد سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی میسر است. در عین حال پرسش این است که نهادها چگونه می‌توانند رفتار دولت‌های دارنده منافع متعدد و متنوع را بر اساس یک سری هنجارهای واحد تحت تاثیر قرار دهند؟

این تاثیرگذاری در حال حاضر به دو صورت در حال افزایش است. نخست اینکه روابط و پیوند میان افراد، گروه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های فنی و تخصصی غیردولتی، هر روز در حال وسیع‌تر و عمیق‌تر شدن است و نقش آنها در عرصه بین‌المللی به شکل فزاینده‌ای افزایش یافته است. چیزی که از نظر کوهن^۲ و نای^۳ به‌عنوان مهم‌ترین صاحب‌نظران این نظریه، تا کنون نادیده گرفته شده است. از نظر آنها «تماس‌ها، ائتلاف‌ها و مبادلات، در ورای مرزهای دولت‌ها که ارکان سیاست‌گذاری‌های خارجی اصلی حکومت‌ها کتتری بر آنها ندارند، صورت می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۳). دوم اینکه سازمان‌ها، نهادها، و رژیم‌های بین‌المللی، فراتر از اراده و منافع صرف دولت‌ها در عرصه بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند. با توجه به انتخاب عقلانی در رفتار دولت‌ها، آنها مایل هستند از طریق همکاری به منافع‌شان دست

1 - Kant
2 - Cohen
3 - Nye

یابند. این منافع به خاطر نقشی که نهادها و رژیم‌های بین‌المللی دارند، از طریق همکاری با آنها بهتر تامین می‌شود. این نهادها با ایجاد قواعد، هنجارها، ارائه اطلاعات لازم به کشورهای مختلف، فراهم آوردن زمینه گفتگو میان بازیگران متعدد عرصه بین‌المللی و بالاخره در مرحله پیشرفته ایجاد ساختار واحد، شفاف‌سازی روابط دولت‌ها و حل معمای امنیت در عرصه بین‌المللی که عنصری مؤثر در ناامنی بین‌المللی محسوب می‌شود، نقش اساسی در برقراری امنیت ایفا می‌کنند (تریف و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۶۹). با وجود این رقابت غیر قابل کنترل دولت‌ها در عرصه‌های مختلف، از جمله در عرصه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، فقدان ساز و کارهای الزام‌آور برای اجرای قواعد و مقررات این سازمان‌ها و عدم التزام و پایبندی قدرت‌های بزرگ به اصول اخلاقی و هنجارهای عام بین‌المللی، موجب بروز بعد دیگر معمای امنیت شده که به تهدید قدرت هژمون بر می‌گردد (تریف و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷۱-۱۷۰). ابر قدرت‌ها به خاطر قدرت غیر قابل رقابتی که به دست می‌آورند، کل ساختار و قواعد و مقررات نهادها و رژیم‌های بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده و بازیگران دیگر را در برابر قبول سلطه و یا ناامنی قرار می‌دهند. در این حالت امنیت دولت‌های دیگر شدیداً تحت تأثیر معنا و معادلات امنیتی مورد نظر دولت هژمون قرار می‌گیرد. در نظام تک قطبی، این نوع معمای امنیت بیش از نظام تک قطبی خطرناک می‌شود. قدرت‌های بزرگ در دوره بعد از فروپاشی شوروی برای ایجاد اتحادیه‌ها و قطب‌های مختلف قدرت، در این راستا قابل درک است. در عین حال سرشت متفاوت و موانع گسترده موجود در راه تبدیل شدن آنها به بازیگران کامل در عرصه بین‌المللی، همراه با نادیده گرفتن بازیگران هویتی امنیت بین‌المللی، مثل گروه‌های تروریستی موجب شده است که اهداف مورد نظر طرفداران نظریه نئولیبرالیسم نهادگرا، آن گونه که مد نظر بود، تحقق نیافته و به آن مرحله از کارآمدی نرسد تا بتواند امنیت بین‌المللی را تأمین کند. از منظرگاه نهادگرایی نئولیبرال، یک نهاد می‌تواند همکاری‌های بین‌المللی را به وجود آورد. در نئولیبرالیسم نهادگرا آنچه که به عنوان نهاد در نظر گرفته شده است، همواره کمی مرموز بوده است و در بعضی مواقع از آن با عنوان «سازمان» یا «رژیم» هم یاد می‌کنند (Setear, 1996: 4).

بسترهای شکل‌گیری داعش در عراق

اگر بیداری اسلامی را شامل سه موج غرب ستیزی، انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن و جنبش‌های اجتماعی جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا بدانیم، رد پایی از تمامی این امواج را در عراق شاهد خواهیم بود. امواج بیداری اسلامی از حدود یکصد و پنجاه سال قبل در چارچوب حرکت و تلاش‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی آغاز شد و با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ادامه یافت. پس از

حوادث ۱۱ سپتامبر و با حمله آمریکا به دو کشور افغانستان و عراق و نیز ادامه بحران در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، زمینه‌های موج سوم بیداری اسلامی فراهم شد (مهدی‌زاده سراج، ۱۳۹۱: ۱۱).

با وجود گذشت نزدیک به شانزده سال از سرنگونی رژیم بعث عراق، این کشور با مشکلات بسیاری در استقرار نظم و امنیت و ایجاد دولت پایدار و با ثبات روبه‌رو است؛ اما برگزاری چندین انتخابات مانند انتخابات مجلس، نشانه‌هایی از همکاری‌های گروه‌ها و جناح‌های مختلف صحنه سیاسی کنونی عراق است. با این وجود، هنوز در این کشور عملیات تروریستی انجام می‌شود، همچنان درگیری‌ها و اختلافات قومی نمایان است و گروه‌هایی نیز در این اوضاع پیچیده با کمک‌های خارجی، اوضاع را آشفته می‌کنند. جریان‌های سیاسی متعددی در عراق شناخته شده‌اند که مهم‌ترین آنها شامل احزاب و جناح‌های شیعه، احزاب کرد، احزاب سیاسی ملی‌گرا و نیز بقایای حزب بعث می‌شوند. در این میان گروه تروریستی داعش نقش بسزایی در تحولات اخیر عراق داشته است که در ذیل به صورت مختصر چگونگی شکل‌گیری این گروه تروریستی در عراق شرح داده خواهد شد.

در واقع گروه تروریستی داعش، برای بنیان و آغاز فعالیت‌های خود، از خلق و خوی عصبی و خصمانه مردم در مناطق سنی نشین عراق به‌ویژه در شهرهای الانبار و موصل استفاده کرد. پس از خروج نیروهای آمریکایی در عراق در سال ۲۰۱۱، بر شدت فعالیت‌های تروریستی در عراق افزوده شد. رهبران سیاسی اهل سنت و سران قبایل به صورت مداوم تقاضاهای خود را مبنی بر اینکه در دولت خواسته‌های آنان نادیده گرفته می‌شود و در شهرهای خود به حاشیه رانده شده‌اند را به گوش دولت مرکزی می‌رساندند. اما رهبران و فعالان سیاسی که بعضی زدایی و قوانین ضد تروریسم را در اولویت اهداف سیاست خارجی خود قرار داده بودند، خواسته‌های مناطق سنی نشین برای آنها به نوعی کم اهمیت تلقی شد. به‌عنوان مثال یکی از مؤسسان الحصوه (جنبش بیداری در عراق)، شیخ علی حاتم سلمان آشکارا در سال ۲۰۱۰ سرخوردگی و اعتراض خود را از سیاست‌های نوری مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر بیان می‌کند، اما غفلت و عدم پاسخگویی دولت به رهبران سنی، به‌تدریج باعث تظاهرات ساکنین شهر غربی یعنی الرمدادی عراق می‌شود (Gulmohamad, 2014: 3). به مرور زمان تنش‌های فرقه‌ای افزایش پیدا کرد و تخریب اردوگاه‌ها، باعث شد که تظاهرات به شورش تمام عیار علیه نهادهای دولتی در آستانه سال ۲۰۱۴ در استان غربی یعنی الرمدادی منجر شود. به این صورت گروه تروریستی داعش این فرصت طلایی را غنیمت شمردند و بر روی یک نوار از سرزمین‌هایی در استان الانبار، به‌ویژه دو شهرستان بزرگ آن یعنی الرمدادی و فلوجه را به دست آوردند (Gulmohamad, 2014: 4). گروه داعش در نزدیکی مرز

عربستان سعودی، در صحرای استان الانبار عراق که مرز وسیعی با عربستان دارد شروع به شکل‌گیری نمود. به دلیل شرایط صحرایی و دور افتاده بودن این استان، این منطقه کم جمعیت است و تقریباً خالی از سکنه و به دور از کنترل کامل نظامی بوده است (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۴۱). جغرافیایی که داعش امروز به آن دسترسی دارد، این جغرافیا کم و بیش از استان صلاح‌الدین و به تعبیری منطق شرقی استان صلاح‌الدین عراق آغاز می‌شود و تا منطقه حلب در سوریه امتداد می‌یابد. این گستره سرزمینی حدود ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲). ولی داعش نقشه‌ای را در اینترنت منتشر کرده است که نشان‌دهنده سرزمین‌هایی است که این گروه اسلام‌گرای تروریستی در صدد تسخیر آنها در طول پنج سال آینده است. این مناطق شامل: خاورمیانه، شمال آفریقا، بخش‌های وسیعی از آسیا، از جمله ایران و افغانستان و بخش‌هایی از اروپا می‌باشد، طبق این نقشه داعش می‌خواهد اسپانیا که به مدت هفتصد سال در سده میانه جزء سرزمین‌های تحت خلافت اسلامی بوده و نیز کشورهای حوزه بالکان، شرق اروپا و اتریش را تصرف کند (احمدوند و احمدوند، ۱۳۹۴: ۱۶۱). تاریخچه شکل‌گیری این گروه به این شکل است که به دنبال تشکیل گروه «توحید و جهاد» به رهبری ابومصعب زرقاوی در سال ۲۰۰۴ میلادی و بیعت وی با بن‌لادن، رهبر پیشین القاعده، این گروه شاخه سازمان القاعده در عراق شد و با گسترش عملیات خود، به یکی از گروه‌های تروریستی بسیار قدرتمند در عراق تبدیل شد. در سال ۲۰۰۶، فیلمی از وی منتشر شد که در آن، از تشکیل شورای مجاهدین به رهبری عبدالله رشید البغدادی خبر داد. در اکتبر همان سال نیز گروه «دولت اسلامی عراق» به رهبری ابو عمر البغدادی تشکیل شد. وی به همراه ابوحزمه المهاجر، در سال ۲۰۱۰ در حمله مشترک نیروهای آمریکایی و عراقی کشته شدند (عبدالباری، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

نکته قابل توجه این است که ابو عمر البغدادی، در نخستین بیانیه رسمی خود دلیل تشکیل دولت اسلامی عراق را چنین توصیف می‌کند: «با اشغال عراق به دست نیروهای آمریکایی، اختلافات قومی و مذهبی در عراق زیاد شد و کردها، در شمال عراق و شیعیان در مرکز عراق قدرتمند شدند. هر کدام از آنها هم، حامیانی از کشورهای خارجی و نیز ارتشی مستقل دارند؛ اما اهل سنت مظلوم واقع شدند. هدف از تشکیل این دولت احقاق حق اهل سنت است» (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۳۴). یک ماه بعد از مرگ ابو عمر البغدادی، با ابراهیم عواد ابراهیم السامرائی معروف به ابوبکر البغدادی به‌عنوان امیر سازمان دولت اسلامی در عراق بیعت شد (همان: ۱۲). اصل و نسب البغدادی به منطقه دیالی در شرق عراق باز می‌گردد، وی و خانواده‌اش به خاندان السامرائی، یکی از عشایر عراق مقیم این منطقه منتسب هستند.

البغدادی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه اسلامی شهر بغداد ادامه داده و دانش‌آموخته دفتر «ابومصعب الزرقاوی» است. بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ در جنوب عراق زندانی آمریکایی‌ها بود و همکاری نظامی نزدیکی با افسران ارتش بعثی داشته است (عمادی، ۱۳۹۳: ۵۱). البغدادی بالاترین مقام دینی این سازمان است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر سازمان حکومت می‌کند و به‌عنوان ولی امر مسلمین در دولت خلافت اسلامی با وی بیعت شده است. داعش سرزمین‌های تحت نفوذ خود را به نام ولایت تقسیم کرده است. تا کنون شانزده ولایت در مناطق تحت تصرف داعش تشکیل شده است که هشت ولایت در عراق و هشت ولایت دیگر در سوریه است. شخص والی در هر ولایت، در حقیقت حاکم مطلق در آن ولایت است و یک معاون نظامی و یک معاون شرعی دارد که ریاست هیئت شرعی و امنیت را بر عهده دارد (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۵۱-۵۰).

شیوه هویت‌جویی داعش و الگوهای رفتاری برآمده از آن در زمینه جلب نظر مخاطبان بسی موفق‌تر از روش رقیبان بوده است. در این زمینه به رهگیری ویژه از نمادها و نشانه‌های گوناگون تاریخی، قومی، فرهنگی و مذهبی در خور توجه است. برای مثال خلیفه داعش در رویای رسیدن به دوران تازه‌ای از خلافت، آن هم از نوع عباسی (که لقب البغدادی‌اش هم ریشه در آن دارد)، کوشیده است از اطلاعات تاریخی خود زیرکانه بهره بگیرد. منطق او در گزینش نام ابوبکر خلیفه نخست، برای پیوند دادن خود به عهد خلافت نخستین اسلامی نزد اهل سنت و جماعت است و از قریشی شمردن خود با هدف طرح صلاحیت برای تصدی امور حرمین شرفین بهره‌برداری کرده و سرانجام پسوند حسینی برای اثرگذاری بر شیعیان عراق برگزیده است. البته عده‌ای بر این باورند که وی، نقش عبدالله سفاح را در شکل‌گیری خلافت عباسی دارد. وی با پوششی چندگانه همه را می‌فریبد تا دوران گذار برای روی کار آمدن خلیفه اصلی را به پایان رساند (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۴).

ابوبکر البغدادی در سخنرانی‌ای که به مناسبت اعلام خلافت داشت به این نکته اشاره نمود که در دولت اسلامی، عرب‌ها و غیر عرب‌ها، سفید پوستان و سیاه پوستان، شرقی‌ها و غربی‌ها همه در کنار یکدیگر به صورت برادرانه زندگی می‌کنند. عراق تنها به عراقی‌ها تعلق ندارد و همچنین سوریه تنها به سوری‌ها تعلق ندارد سرزمین از آن خداوند است و همه انسان‌ها در آن حق دارند زندگی کنند (Bherer, 2014: 174). همین امور نشان‌دهنده عضوگیری این گروه از مردم سرتاسر جهان دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود. در همین زمینه بیان شده است که داعش در مقایسه با القاعده بیشتر از نیروهای خارجی استفاده می‌کند چرا که اغلب جنگجویان القاعده از کشورهای عربی بودند که از طریق جذب دانش‌آموزان

مدارس دینی یا در اردوگاه‌های پناهندگان می‌پیوستند ولی داعش بیشتر به جذب نیروهای خود از طریق شبکه‌های اجتماعی اقدام می‌نماید. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس بوک، توئیتر و راه‌اندازی شبکه دابق^۱ و مجله‌ای با همین عنوان، تکیه بر اصل غافلگیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قابل بودن به نوعی رسالت به ظاهر الهی و تکلیف برگشت ناپذیر مذهبی، خشونت بی‌سابقه داعش، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این گروه محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد گسترش این فضای خشونت‌بار را از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی تشدید می‌کند. چند رگه بودن هویت اعضا و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی در گروه و فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آنها (تلاش برای ایجاد خلافتی بزرگ که در نهایت غرب را هم به قلمرو خود خواهد افزود) موجب شده است که سیر رشد آنها در مقایسه با دیگر گروه‌های مختلف افراطی تصاعدی باشد (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۷۹).

تبیین عملکرد آمریکا و ائتلاف تحت رهبری این کشور

بازگشت آمریکا به منطقه آن هم تحت ائتلافی نظامی به رهبری آن، چگونه می‌تواند درک و توجیه شود؟ به طور سطحی به نظر می‌رسد خشم عمومی آمریکا پس از پخش دو ویدئوی اعدام از شهروندان آمریکایی از سوی داعش، علت این اقدام باشد (Alpher, 2014: 1). در سال‌های اخیر شکل‌گیری تروریسم در قالب بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بیش از سایر مناطق جهان نمایان بوده است. شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های تروریستی گروه‌های همچون القاعده، القاعده مغرب اسلامی، جبهه النصره و در حال حاضر داعش شاهد این مدعا است (حیدری، ۱۳۹۳: ۵۰). به این ترتیب بعد از اشغال موصل توسط داعش سرانجام دولت آمریکا به چارچوبی برای مقابله با این گروه رسید که از آن تحت عنوان ائتلاف علیه داعش نام برده می‌شد. این ائتلاف که با مشارکت عملی یا نمایی بیست و یک کشور (اگرچه در برخی منابع بیشتر نیز ذکر شده است)، از اوت ۲۰۱۴ آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد، ولی در واقع هنوز نتوانسته است در منکوب کردن داعش در عراق و سوریه نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.

آنچه از این راهبرد اعلام شده است، عبارت است از تضعیف گروه داعش با انجام حملات موثر و هدفمند هوایی ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا بر ضد مواضع این گروه در عراق و فراتر از آن در

سوریه و در عین حال آموزش و پشتیبانی مخالفان معتدل سوری علیه دولت این کشور برای مهار هم زمان داعش و همین طور مقابله با دولت بشار اسد در سوریه (میریوسفی اول، ۱۳۹۵: ۳۴). این ائتلاف متشکل از: ایالات متحده آمریکا، استرالیا، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، هلند، بریتانیا، بحرین، اردن، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی و... می‌باشد. در چارچوب این ائتلاف نیز اخباری از مسئولان آمریکایی گزارش شده بود که عربستان سعودی با ایجاد اردوگاه‌هایی برای آموزش گروه‌های تروریستی مطلوب آنها در چارچوب طرح ایالات متحده موافقت کرده است. حتی آمریکا اعلام کرده است که قصد دارد بیش از ۵۰۰ مخالف دولت سوریه را برای جنگ با داعش در عربستان سعودی آموزش دهد. در این راستا نیز از سوی مقامات آمریکایی به منظور مشروع قلمداد کردن اقدام خود از ادله دفاع مشروع پیشدستانه استفاده می‌کنند (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۲۵).

بنابراین، ظهور داعش موجب امکان یا گسترش حضور نیروهای آمریکایی در عراق و سایر کشورهای منطقه می‌گردد. اقدام نظامی ائتلاف ضد داعش (با سرکردگی آمریکا و هم‌پیمانان غربی) محدود به عراق نیست و سوریه را نیز در بر می‌گیرد. اما باید به این مسئله نیز توجه داشت که دولت آمریکا چندی پیش به بهانه سلاح شیمیایی در صدد بود تا با اقدام نظامی در این کشور رژیم مستقر در این کشور را از اریکه قدرت پایین بکشد که با مخالفت ایران و روسیه مواجه شد. این بار داعش این فرصت را می‌تواند در اختیار آمریکا قرار دهد. آنها به بهانه داعش زیرساخت‌های سوریه را مورد هدف قرار داده و اعلام کرده‌اند که در صدد مبارزه با نیروهای اسد نیستند و اولویت اول آنها داعش است؛ اما این احتمال همچنان وجود دارد که با طولانی‌تر شدن عملیات نظامی علیه داعش به مرور در صدد ضعیف کردن رژیم اسد نیز برآیند. در همین چارچوب، دولت آمریکا اعلام کرده است در جهت مبارزه با داعش نیروهای معتدل مخالف اسد را نیز تقویت خواهد کرد (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

ایالات متحده آمریکا با مشکلات بسیار گسترده‌ای روبه‌رو است. مبارزه با داعش و شکست دادن آن در عراق تا کنون هیچ نشانه‌ای از تضعیف نفوذ ایران در این کشور نشان نداده است. به نظر می‌رسد ایران قادر است که به نحو بسیار خوبی از مزیت خود که همانا استفاده از زمین است بهره‌برد و روابط خود را با نظامیان شیعه به هر شیوه ممکن بهبود ببخشد. این در حالی است که ائتلاف هوایی به رهبری آمریکا و مبارزه زمینی آن علیه داعش را کم اهمیت جلوه می‌دهد (Cordesman, 2016: 1).

در نتیجه آمریکا باید تلاش‌های خود را در برابر داعش، هم در عراق و هم در سوریه دو چندان کند. اوپاما در سپتامبر سال ۲۰۱۴، قصد خود را برای کاهش و در نهایت از بین بردن گروه تروریستی شناخته

شده با نام مخفف داعش اعلام کرد. ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در توصیف ماموریت خود بیشتر معتقد به شکست اعتقادی است، به این معنا که راه از بین بردن داعش صرفاً نه مقابله از راه نظامی و فیزیکی، بلکه از راه شکست اراده این گروه تروریستی است. آمریکا اعتقاد دارد که شکست داعش یک ماموریت صحیحی برای موجه جلوه دادن فعالیت‌های آن است. البته این به آن معنا نیست که آمریکا باید هر جایی که داعش است، حضور داشته باشد یا اینکه نیروی نظامی آن تنها ابزاری است که باید مورد استفاده قرار بگیرد. در واقع این کشور بر این اعتقاد است که مبارزه و شکست داعش، نیازمند استفاده از نیروی نظامی، دیپلماسی و تمامی ابزارهای قدرت ملی آمریکا است. بعضی از محافل سیاسی آمریکا امیدوار بودند که داعش فقط می‌تواند در عراق و سوریه باشد، اما متأسفانه داعش قبلاً به صورت وسیعی، فراتر از این مناطق نیروهای خود را سازماندهی کرده است. کاگان^۱ اعتقاد دارد بیان این مسئله که آمریکا در شکست دادن داعش در عراق و سوریه موفق نبوده است، کاملاً اشتباه است. ایالات متحده به همراه ائتلاف بین‌المللی تحت رهبری آن، دامنه فعالیت‌های این گروه و گسترش آن را در منطقه خاورمیانه محدود کرده است (Kagan, 2015: 3).

عده‌ای از پژوهشگران معتقد هستند که کشورهای غربی به دنبال درگیر شدن با داعش نیستند، بلکه در پی کنترل و حفظ آن هستند. آنها معتقدند که غرب سعی دارد داعش و نیروهای همانند آن در منطقه تخلیه شوند تا متعرض غرب و در رأس آن آمریکا نشوند. این سیاست را می‌توان به وضوح در نشست پاریس در ۱۲ خرداد ۱۳۹۴ مشاهده کرد؛ وزیر امور خارجه فرانسه و آلمان و نماینده وزارت خارجه آمریکا، همگی اظهار داشتند که مبارزه با داعش یک مبارزه طولانی مدت است. اظهارات عجیب وزرای خارجه این کشورها و اقدامات ائتلاف ضد داعش در سقوط الرمادی نشان می‌دهد که این ائتلاف قصد مبارزه جدی با داعش را ندارد (پورسعید، ۱۳۹۴: ۵۶).

اقدامات گروه‌های تکفیری - تروریستی سبب حضور مجدد آمریکا در عراق بر اساس موافقتنامه امنیتی بغداد - واشینگتن خواهد شد که این به نفع اسرائیل تمام خواهد شد. بر این اساس، موازنه منطقه‌ای مثبتی با دولت جدید عراق در منطقه علیه جریان‌های ضد اسرائیلی پدید می‌آید. به نظر می‌رسد با توجه به این نکته که آمریکا در مبارزه با تروریسم به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، سیاست یک بام و دو هوا را بر پایه منفعت محوری دنبال می‌کند، به طوری که هر زمان که اقدامات نیروهای تندرو با برنامه‌های

آمریکا همخوانی نداشته باشد، این کشور به رویارویی با آنها بر می‌خیزد و در هر منطقه‌ای که تروریست‌ها منافع این کشور را در نظر داشته باشند، از پشتیبانی آمریکا برخوردار خواهند بود. در نتیجه آمریکا بازی دوگانه‌ای را اجرا کرده است، اما این یک واقعیت است که واشینگتن نه به داعش اجازه تشکیل دولت را در عراق می‌دهد و نه اجازه حذف این گروه را می‌دهد (Afrasiabi, 2014: 129). علاوه بر خاورمیانه و آسیای مرکزی، خشونت‌های گروه‌های بنیادگرای اسلامی در آفریقا نیز منجر شده است که آمریکایی‌ها به دنبال پایگاه‌های دائمی در این کشورها باشند. به این سان این مسئله زمینه‌سازی برای بازگشت استعمار اروپایی و آمریکایی در کشورهای اسلامی خواهد شد (هرسیچ و تويسرکاني، ۱۳۹۲: ۲۰۸-۲۰۹).

تبیین عملکرد جمهوری اسلامی ایران و تشکیل ائتلاف

می‌توان گفت که روابط دو کشور ایران و عراق در زمان روی کار آمدن حیدر العبادی تحت تاثیر داعش بوده است و بحث‌های فی ما بین دو کشور امروزه بیشتر حول کمک‌های نظامی - مستشاری در میدان‌های عراق است. تسلط داعش بر استان‌هایی از عراق علاوه بر اینکه این کشور را دچار بحرانی داخلی کرده است، تاثیراتی نیز بر همسایه شرقی این کشور یعنی ایران داشته که این امر باعث شد ایرانیان به‌عنوان مهم‌ترین حامی دولت عراق از روزهای اول به کمک این دولت رفته و از سقوط احتمالی آن جلوگیری نمایند.

تسلط داعش بر بخش‌های سنی نشین عراق بیشترین تهدیدات امنیتی را برای ایران به وجود آورده است، چرا که داعش رویکردی رادیکال‌تر از القاعده نسبت به شیعیان دارد. به گونه‌ای که ابوبکر البغدادی رهبر داعش، ایمن الظواهری رهبر القاعده را به خاطر عدم انجام اقدامات قاطعانه در برابر ایران مورد انتقاد قرار می‌دهد. تسلط این گروه تکفیری بر مناطق سنی نشین عراق باعث گسترش جدی فعالیت‌های این گروه در قبال اهداف و مراکز شیعی و از جمله هدف قرار دادن مراکز مذهبی و زیارتی شیعی و توهین به مقدسات و اماکن مذهبی شده و این موضوع برای ایران به‌عنوان پرچم‌دار شیعه در جهان خطری مذهبی و حیثیتی است (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۷). در واقع ایران نگران گسترش ناامنی و تنش‌های مذهبی در عراق است، چرا که این مسئله می‌تواند به ایران نیز سرایت کند و تنش‌ها و تهدیدات جدی را در داخل ایران به وجود بیاورد. تجزیه عراق در نتیجه تسلط داعش به‌عنوان تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی سرزمینی آن محسوب می‌شود و در آینده باعث تشدید روندهای واگرایانه در کشور ایران خواهد شد (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۸). بنابراین با توجه به اشتراکات قومی و مذهبی

در دو کشور و همچنین هم مرز بودن دو کشور و اینکه این قومیت‌ها در استان‌های مرزی واقع شده‌اند، هر گونه طرح برای تجزیه عراق باعث چالش‌هایی در طی زمان برای ایران خواهد بود. هدف ایران در عراق از بین بردن داعش با حفظ تمامیت ارضی عراق است. در این مورد وزیر امور خارجه ایران، آقای ظریف در دیدار با نماینده سازمان ملل در امور عراق، ضمن تشکر از کمک‌های سازمان ملل، تاکید کردند که جمهوری اسلامی ایران بر وحدت و حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور همسایه خود یعنی عراق تاکید دارد و هر راهکاری باید تقویت‌کننده وحدت، امنیت و ثبات عراق و منطقه باشد (Jahannews.com, 94/7/20). از طرف دیگر رهبران و گروه‌های شیعه عراق به‌ویژه جریان صدر به رهبری مقتدی صدر نیز ضرورت حمایت از نیروهای امنیتی را در برابر داعش تایید کرده‌اند. در واقع مهم‌ترین واکنش مقامات شیعه در عراق، حفظ وحدت و حمایت از نیروهای نظامی و امنیتی در برابر گروه تروریستی داعش است (Alipouryani & others, 2015: 905).

نگاه داعش به شیعه حاکی از آن است که این گروه ایران را به‌عنوان هسته اصلی و محوری شیعه مورد هدف قرار داده و اعتقاد دارد که باید به سمت هسته حرکت کرد. از نگاه داعش ایران شیعی به‌عنوان هسته اصلی مخالفان حکومت اسلامی مورد ادعای البغدادی به هر نحو ممکن باید مورد حمله قرار گیرد. احساس داعش بر این است که ایران به لحاظ تاثیر بر منطقه و حتی کشورهای عرب، مانع بزرگی برای اجرای احکام اسلامی این گروه است. به زعم داعش حمله به عراق و ارزش‌های شیعی در این کشور پیش‌زمینه مناسبی جهت اقدامات بعدی علیه ایران است، از این رو بخشی از سناریوی پیشروی این گروه رسیدن به اهداف خود از طریق کشاندن صحنه نبرد به سمت مرزهای ایران است (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۹۴). اگر با دیدی واقع‌گرا به این مسئله نگاه بیندازیم، می‌توان به وضوح این مسئله را درک کرد که منافع منطقه‌ای و امنیت منطقه‌ای ایران در گرو بقا قدرت محور مقاومت تعریف شده است، بنابراین تضعیف عراق و یا سوریه می‌تواند بر موقعیت منطقه‌ای ایران اثر منفی جدی وارد سازد و به نوعی به سود رقبای ایران تمام شود که مشخصاً در این موضوع عربستان سعودی بسیار تاثیرگذار است. بنابراین این بازی منطقه‌ای تابع قاعده بازی با حاصل جمع جبری صفر است، یعنی سود ما به زیان محور سازش است و بالعکس (حق پناه، ۱۳۹۱: ۵). بنابراین حاکمیت شیعی در عراق موجب کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌های منطقه‌ای برای ایران خواهد بود.

نکته‌ای که باعث دل‌نگرانی ایران در مورد عراق شده است، این است که حضور داعش در عراق باعث توقف و ناکامی در روند دموکراتیک شدن عراق می‌شود که چند سالی است شروع شده و هنوز مراحل

تثبیت خود را طی می‌کند و البته بر خلاف کشورهای عربی که مخالف روند دموکراتیک عراق هستند، ایران این امر را مورد قبول و تاکید قرار داده است، اما در صورت ناکامی نظام سیاسی جدید عراق که مورد حمایت ایران است، این مسئله می‌تواند به نوعی شکست سیاست‌های ایران در عراق به حساب آید.

به هر حال در حال حاضر نیروهای نظامی ارتش عراق و همچنین جبهه مردمی که با نام حشدالشعبی شناخته می‌شود، از آغاز حمله داعش تا کنون، پیشروی‌های بسیاری داشته‌اند و بسیاری از مناطق تحت اشغال این گروه تروریستی را آزاد کرده‌اند. نبرد موصول یکی از سخت‌ترین نبردهایی بود که ارتش عراق توانست به خوبی از پس آن بر بیاید و در حال حاضر شرق موصل به صورت کامل در اختیار ارتش عراق است. بنابراین می‌توان گفت که روند پیشروی داعش در عراق نه تنها کند شده است، بلکه این گروه به صورت پی در پی متحمل شکست‌های سنگینی در عراق شده است. در حال حاضر مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با خرابکاری و اقدامات تروریستی داعش می‌تواند به شرح زیر باشد:

۱. ساخت گروه‌های چریکی طرفدار برای مقابله با اقدامات تروریست‌ها.
۲. حل و فصل فرماندهی نظامی در مرزهای منطقه‌ای کشور عراق.
۳. بهبود اقدامات اطلاعاتی با استفاده از نیروهای دولتی و قبیله‌ای در مناطق مرزی.
۴. تعادل و هماهنگی بین گروه‌های اطلاعاتی، امنیتی و بخش‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران.
۵. استفاده از اطلاعات به دست آمده از گروه‌های سلفی مخالف به منظور ساخت جریان موازی (Alipouryani & others, 2015: 904).

اما مسئله‌ای که در اینجا باید به آن پرداخت، نقش و چگونگی حضور و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مبارزه با این گروه تروریستی است. اگر ما به عملکرد جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص در دو کشور عراق و سوریه نگاهی دقیق بیندازیم، خواهیم دید که ایران هم دارای ائتلافی برای مبارزه با این گروه تروریستی است و این ائتلاف متشکل از ایران، عراق، سوریه و روسیه می‌باشد.

کشورهای ایران، عراق، سوریه و روسیه ضمن توافقی با یکدیگر، یک مرکز اطلاعاتی در بغداد تشکیل دادند که هدف از تشکیل این ائتلاف اتخاذ اقداماتی عملی و جدی برای مقابله با گروه‌های تروریستی در منطقه است و وظایف اصلی آن جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل و بررسی اطلاعات مربوط به اوضاع

منطقه در چارچوب مبارزه با داعش است (khabaronline.ir, 94/7/4). به وضوح روشن است که کشور روسیه متمایل به همکاری در چارچوب ائتلاف با ایران است و علی‌رغم پیشنهادهایی که این کشور از جانب آمریکا تحت عنوان «اجرای گروهی مشترک» جهت افزایش هماهنگی و ایمنی در پروازهای هوایی یکدیگر دارد، وزارت دفاع روسیه و جامعه اطلاعاتی آن با دیده شک با این مسئله برخورد می‌کنند (McInnis, 2015: 5). بحران سوریه و عراق و عملکرد ضعیف و متناقض ائتلاف نظامی تحت رهبری آمریکا در این بحران‌ها، فرصتی را برای روسیه پدید آورد تا به صورت جدی قدرت و عملکرد نظامی خود را در عرصه بین‌المللی و به‌خصوص در مقابل رقیب دیرینه خود یعنی آمریکا به نمایش درآورد، به طوری که بعد از حضور نظامی روسیه در بحران سوریه، گروه تروریستی داعش به مرور در موضع ضعف قرار گرفت. این مسئله به آن دلیل است که روسیه برای نشان دادن قدرت نظامی و عملیاتی خود، باید این مسئله را اثبات می‌کرد که آمریکا و ائتلاف تحت رهبری آن پس از سه سال مبارزه متوالی با داعش، نتوانسته‌اند توان نظامی این گروه را به نحو موثری به چالش بکشند، ولی کشور روسیه به تنهایی توانست تنها پس از چند روز حضور در این بحران، اثرات حضور و عملکرد مثبت خود در مبارزه با داعش را نه تنها به آمریکا بلکه به جامعه بین‌الملل ثابت کند. این قدرت‌نمایی از سوی روسیه نیازمند اتخاذ یک رویکرد مستقیم و ثابت بود و آن همانا قاطعیت در مبارزه با داعش و شکست آن بود؛ چیزی که آمریکا و ائتلاف نظامی تحت رهبری آن به صورت متناقض و دوگانه‌ای پیگیری نمودند و به این ترتیب روسیه آن را به نفع خود مصادره نمود.

جمهوری اسلامی ایران کاملاً به این مسئله واقف است که در حال حاضر مبارزه با تروریسم به صورت بسیار جدی در دستگاه سیاست خارجی روسیه اتخاذ شده است. همچنین کشور روسیه می‌داند که بهترین متحد در منطقه برای مبارزه با تروریسم، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، چرا که ایران از ابتدای شروع ناآرامی‌های عراق و سوریه، در این بحران‌ها حضور یافت و عزم جدی خود برای مبارزه با تروریسم را به کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نشان داد. پیرو این مسئله، همکاری اطلاعاتی و نظامی برای دو کشور روسیه و ایران در کشورهای عراق و سوریه بسیار مهم شمرده شد، به نحوی که کشور روسیه از پایگاه هوایی همدان در ایران برای حمله به مواضع داعش در سوریه استفاده می‌کند. این مسئله نشانگر این است که هر دو کشور در یک جبهه و ائتلاف و خواستار مبارزه و نابودی این گروه تروریستی هستند. به این ترتیب ائتلاف ایران، روسیه، عراق و سوریه شکل گرفت و تا کنون هم به موفقیت‌های بسیاری دست یافته‌اند.

تحلیل رویکرد سیاست خارجی بازیگران بر اساس چارچوب نظری

نهادگرایان نئولیبرال بر نقش نهادها و افزایش همکاری توسط دولت‌ها تاکید دارند و بیان می‌دارند که موسسات و نهادها محصول منافع مشترک دولت‌ها هستند. نهادگرایان نئولیبرال این اعتقاد نئورئالیست‌ها را قبول دارند که نمی‌توان از بروز جنگ جلوگیری کرد. در واقع نهادگرایان نئولیبرال با آوردن مثالی از نئورئالیست‌ها بیان می‌دارند که اگرچه به هر شیء‌ای فشار وارد آید، آن شیء قطعاً پرتاب خواهد شد، اما می‌توان شیء پرتاب شده را با ارائه راهکارهایی، از سرعت و قدرت فشار آن کاست و از پیامدهای احتمالی آن جلوگیری کرد (Jervis, 1999: 58). در نتیجه بنا بر باور پایه‌ای نهادگرایان نئولیبرال دولت‌ها کنشگرانی ذره‌ای یا اتمیستی هستند (یعنی جدا از دیگران و فاقد پیوندهای اجتماعی میان هم) که می‌کوشند دستاوردهای مطلق منفرد خود را به حداکثر برسانند و نسبت به دستاوردهای دیگران بی-تفاوت هستند. به این ترتیب، با افزایش دستاوردها، دولت‌ها به سود بیشتری می‌رسند. پس اگر همکاری باعث کسب سود بیشتر می‌شود باید به آن مبادرت کرد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۶۷).

برای پاسخ به سوال اصلی مقاله، اشاره‌ای به همکاری ایران و آمریکا برای مبارزه با طالبان در سال ۲۰۰۱ می‌شود. نمونه‌ای از همکاری ایران و آمریکا را می‌توان در سال ۲۰۰۱ در مبارزه علیه طالبان و شبکه القاعده در افغانستان با آمریکا و متحدانش مشاهده نمود. در نتیجه ایران اجازه داد که عملیات لجستیکی و پشتیبانی از طریق خاک ایران صورت گیرد و بنادر خود را برای ارسال کمک‌های انسان دوستانه به افغانستان باز گذاشت و حتی به نیروهای ائتلاف شمال در افغانستان توصیه کرد که با آمریکائیان کاملاً همکاری نمایند (ازغندی، ۱۳۹۱: ۹۴). حال با توجه به سوال مطرح شده آیا می‌توان نمونه‌ای دیگر از همکاری ایران و آمریکا در مبارزه با داعش را شاهد باشیم؟ همانگونه که در مقاله به آن پرداخته شد، راهبرد اعلام شده آمریکا علیه داعش، راهبردی متناقض و ناقص است که خطوط سیاسی و حزبی داخل آمریکا و تحولات سیاسی داخلی این کشور نقش عمده‌ای در تدوین آن ایفا کرده‌اند. از دیگر سو هرچند اوپاما در نطق‌های خود درباره این راهبرد اسمی از ایران نبرده است، ولی در اتاق‌های فکر آمریکا به صورت مداوم در خصوص این موضوع صحبت می‌شود و مقامات ارشد آمریکایی تلاش می‌کنند تا ایران در جبهه آنان در مبارزه با داعش قرار گیرد (میریوسفی اول، ۱۳۹۵: ۳۳). از طرفی ایران نیز حافظ ثبات و تمامیت ارضی عراق است؛ به این ترتیب از ابتدای بحران عراق حضور پررنگی در جهت تضعیف داعش از خود نشان داده است که می‌تواند نشان‌دهنده موفقیت‌های این کشور در منطقه باشد. در نتیجه طبق نظریه نئولیبرالیسم نهادگرا همکاری بین ائتلاف آمریکا و ایران

می‌تواند در تضعیف و مبارزه علیه داعش در منطقه بسیار قابل اهمیت باشد چرا که ایران پل استراتژیکی و ژئوپلیتیکی مهمی در جهت همکاری محسوب می‌شود، بنابراین در نابودی داعش روند تسریعی بیشتری را فراهم آورد. از سویی مبارزه با داعش جزء نقاط مشترک هر دو طرف خواهد بود، ولی نوع مبارزه و تضعیف داعش از سوی طرفین متفاوت می‌باشد. به این ترتیب از اشتراکات دیگر، اهمیت عراق برای هر دو کشور است که بخش مهمی از سیاست خارجی دو کشور را فراهم می‌آورد، اهمیت عراق برای آمریکا از یک طرف تامین امنیت انرژی آمریکا است و از سوی دیگر امکان یا گسترش حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خاورمیانه را فراهم می‌نماید. این نکته نیز قابل توجه است که ورود آمریکا به بحران عراق می‌تواند زمینه را برای بازآفرینی دوباره حضور آمریکا در خاورمیانه و افزایش پرستیژ آمریکا در سطح بین‌المللی فراهم آورد.

برای ایران نیز عراق متحد استراتژیک مهمی محسوب می‌شود که برای محور مقاومت بسیار حائز اهمیت است؛ در نتیجه ورود ایران به بحران عراق به منزله حمایت از منافع فرا ملی این کشور محسوب می‌شود. از اشتراکات دیگر سیاست خارجی دو کشور اتخاذ رویکرد نهادگرایی نئولیبرالیسم است که از طرف هر یک به شکل خاصی دنبال می‌شود، آمریکا تحت لوای ائتلاف بین‌المللی ضد داعش است که با رهبری ایالات متحده آمریکا متشکل با بیش از ۲۰ کشور برای مبارزه با گروه تروریستی داعش شکل گرفت و در کشورهایی همچون عراق و سوریه به عملیات نظامی علیه این گروه تروریستی پرداخته است. این رویه خود نمادی از به کارگیری نئولیبرالیسم نهادگرا در دستگاه سیاست خارجی آمریکا است. به این ترتیب در دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز گونه‌ای از اتحاد و همکاری ایران با روسیه، سوریه و عراق در حل بحران تروریسم در منطقه خاورمیانه شاهد هستیم. علی‌رغم وجود شباهت‌ها در دستگاه سیاست خارجی و به کارگیری شکلی از نهادگرایی نئولیبرالیسم از سوی طرفین چرا هنوز ایران و آمریکا نتوانستند تحت لوای نهادگرایی نئولیبرال با هم در حل بحران داعش همکاری کنند؟ چرا که در صورت هدف مشترک بین طرفین سود حاصل از این همکاری طبق نظریه مقاله به نفع هر دو طرف خواهد بود، به این ترتیب این همکاری اگر بخواهد صورت پذیرد، باید دور از هر گونه برتری‌طلبی و در راستای قوانین و موازین سازمان ملل متحد صورت پذیرد، چرا که جمهوری اسلامی ایران نیز از همکاری بین‌المللی برای مبارزه با داعش استقبال می‌نماید و این موضع بارها توسط مقامات ایران بیان شده است، اما بنا بر آنچه در محتوای متن ذکر گردید موانعی نیز باعث عدم تحقق این همکاری خواهد شد که عبارت است از:

۱- موازین خصمانه طرفین نسبت به یکدیگر (بعد از انقلاب ۵۷): پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران روابط بین دو کشور آمریکا و ایران دچار دگرگونی شد و زمینه برای قطع روابط فراهم گردید (آدمی و دشتگرد، ۱۳۹۱: ۷). این نکته نیز قابل توجه می‌باشد که بعد از ریاست جمهوری ترامپ و سیاست‌های اتخاذ شده وی علیه ایران به تشدید تنش و خصومت میان دو کشور افزوده است.

۲- عدم وجود اجماع نظر مشابه نسبت به مبارزه علیه داعش: همان‌گونه که بیان گردید، نسبت به مبارزه علیه داعش موضع یکسانی بین ایران و آمریکا وجود ندارد. جمهوری اسلامی ایران داعش را تهدید منطقه و به‌ویژه محور مقاومت می‌داند، در نتیجه با تمام قوا به مبارزه با داعش تحت لوای اعزام نیروهای مدافع حرم به عراق و سوریه پرداخته است و هدف خود را نابودی داعش می‌داند. از دیگر سو محورهای ایدئولوژی ایران همچون حمایت از شیعیان منطقه در مبارزه با داعش بسیار پررنگ است. آمریکا نیز تحت لوای ائتلاف علیه داعش به گسترش نیروهای خود در عراق پرداخته است، اما ائتلاف علیه داعش به عقیده بسیاری از پژوهشگران، کنترل و محدود کردن داعش است نه نابودی آن؛ در نتیجه بازی دوگانه‌ای نسبت به مبارزه داعش در سیاست خارجی آمریکا وجود دارد.

۳- ترس از عدم پابندی به تعهدات در صورت وجود همکاری: به دلیل رابطه خصمانه در سیاست خارجی دو کشور نسبت به یکدیگر (بعد از انقلاب ۵۷)، دو کشور در صورت رسیدن به توافق در خصوص داعش نیز سوءظن نسبت به یکدیگر را خواهند داشت، در نتیجه احتمال اعتماد نسبت به یکدیگر بسیار پایین خواهد آمد در حالی که یکی از پایه‌های اصلی تحقق یک همکاری اعتماد و سپس پابندی به تعهدات می‌باشد.

۴- عدم وجود نهاد یا رژیم بین‌المللی مستقل و مسئولیت‌پذیر: در نتیجه بنا بر آنچه که ذکر گردید انتظار می‌رود که در صورت تحقق همکاری باید تحت نظارت یک سازمان بین‌المللی مستقل و دور از هر گونه پیش‌داوری صورت بگیرد، در حالی که سازمان‌های بین‌المللی در عرصه بین‌الملل تحت نفوذ ابر قدرت‌ها می‌باشند، در نتیجه این عامل مانع اساسی در جهت تقویت همکاری می‌باشد.

۵- در بررسی نقاط افتراق سیاست خارجی ایران و آمریکا در بحران عراق، متفاوت بودن ایدئولوژی حاکم بر دو کشور ایران و آمریکا و به تبع آن تفاوت در نوع نگاه دو کشور نسبت به این بحران نیز مطرح است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل ایدئولوژی خاص اسلامی و انقلابی که بر آن حاکم است، نسبت به بحران عراق نگاهی ارزشی دارد. ایران حمایت از شیعیان جهان را جزء آرمان‌های انقلابی خود می‌داند. در عراق هم به دلیل حاکم بودن حکومتی شیعه، ایران وظیفه خود می‌داند که شیعیان این

کشور را مورد حمایت قرار دهد. همچنین وجود حرم ائمه شیعه (حرم امام حسین و امام علی^(ع) و...) در این کشور و اقدام ایران در نام‌گذاری نیروهای نظامی خود تحت عنوان مدافعان حرم، نشان از حاکم بودن این نگاه ارزشی در سیاست خارجی ایران در قبال این بحران است. پس می‌توان گفت که این نگاه ارزشی دستگاه سیاست خارجی ایران در قبال بحران بین‌المللی عراق، کاملاً متفاوت با رویکرد اتخاذ شده از سوی آمریکا است. در نتیجه بنا بر آنچه ذکر شد، اصولاً راه همکاری به نوعی بسته می‌باشد و یا حداقل همکاری مقطعی شکل خواهد گرفت؛ به این ترتیب، موانع باعث می‌گردد که همکاری مشترک و طولانی مدت سیاسی - نظامی را از دو کشور دور گرداند؛ مگر اینکه تعدیل و تنظیمی در موانع ذکر شده شکل بگیرد.

نتیجه

جمهوری اسلامی ایران در ابتدای ناآرامی‌ها در کشور عراق، به صورت رسمی حضور یافت و علیه گروه تروریستی داعش به مبارزه پرداخت. آمریکا نیز در ابتدای ناآرامی‌ها با تشکیل ائتلافی از کشورهای مختلف، ندای مبارزه با تروریسم سر داد و خود با رهبری ائتلاف، علیه داعش موضع گرفت. اما آنچه که مشهود است تفاوت در نحوه مبارزه با این گروه تروریستی است که در نوع مبارزه دو کشور ایران و آمریکا می‌توان به وضوح یافت. نقش پررنگ ایدئولوژی خاص حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین بازی‌های دوگانه ایالات متحده آمریکا در برخورد با تحولات، به‌خصوص بحران داعش، عاملی است که تا کنون باعث شده است نتوانیم برای این دو کشور همکاری مشترک قابل ملموسی را برابر داعش ببینیم. حضور نظامی ایران در عراق از ابتدا تا حال، باعث شده است که به نوعی وزنه پیروزی‌های میدانی به نفع ارتش عراق سنگین شود و حتی مقامات نظامی و سیاسی عراق به این مسئله اعتراف کرده‌اند. اما در رفتار آمریکا تناقض و دوگانگی وجود دارد. حملات هوایی این کشور به مواضع داعش و بمباران مناطق تحت تصرف این گروه و از سوی دیگر حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی به داعش باعث شده است که دیگر کشورها، همکاری با آمریکا در عراق برای مبارزه با تروریسم را به دیده شک بنگرند. جمهوری اسلامی ایران با هر کشوری که در امر مبارزه با تروریسم مصمم باشد، همکاری خواهد کرد، کما اینکه کشور روسیه نمونه بارز این مسئله است. طبق نظریه نهادگرایی نئولیبرال می‌توان برای ایران و آمریکا در عراق همکاری نظامی جهت مبارزه با داعش قائل شد، اما این همکاری به شرطی است که کشورهای عضو یک سازمان، اهدافی مشترک داشته باشند و سیاست خارجی خود را در امر مورد نظر انطباق دهند. آمریکا نشان داده است که خوی یک جانبه‌گرایی او اجازه همکاری

با دیگر کشورها به‌خصوص ایران را نخواهد داد. بنابراین اگر بخواهیم برای ایران و آمریکا طبق نظریه نهادگرایی نئولیبرال همکاری نظامی - سیاسی در عراق قائل شویم، از جانب ایران این مسئله قابل اجرا و از جانب آمریکا غیر قابل اجراست و از آنجایی که نظریه نهادگرایی نئولیبرال زمانی قابل اجرا خواهد بود که کشورها تحت یک سازمان با اهداف مشترک دور هم جمع آیند، این نظریه در مورد همکاری ایران و آمریکا در بحران کنونی عراق فی‌الحال صدق نخواهد کرد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ابراهیم نژاد، محمد (۱۳۹۳)، دولت اسلامی عراق و شام، قم: انتشارات دارالعلوم المدرسه اهل البیت.
- ۲- احمدوند، سلیمان و ایمان احمدوند (۱۳۹۴)، «بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی) مطالعه موردی؛ داعش»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۰.
- ۳- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱)، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات: نشر قوس، چاپ دوم.
- ۴- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۳)، «ایران و آمریکا در عراق: تنوع کنش‌ها»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره ۴.
- ۵- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۳)، خیزش داعش و بحران امنیتی عراق، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۶- اشرف نظری، علی و عبدالعظیم السیمری (۱۳۹۳)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، باقرالعلوم، شماره ۶۸.
- ۷- آدمی، علی و مجید دشتگرد (۱۳۹۱)، «ایالات متحده و مهار متخاصمان در چارچوب احاله مسئولیت»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳.
- ۸- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۴)، «عراق؛ یک سالگی فتنه داعش»، ماه‌نگار دیده بان امنیت ملی، شماره ۳۹.
- ۹- تدینی، عباس و سید مظطفی کازرونی (۱۳۹۴)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۷.
- ۱۰- تریف، تری و همکاران (۱۳۸۱)، واقع‌گرایی و لیبرالیسم، ترجمه اصغر فرهادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۱)، نگاه استراتژیک به ناآرامی‌های سوریه؛ علل و عوامل آن، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC).
- ۱۲- حیدری، ایوب (۱۳۹۳)، «فرهنگ و گسترش تروریسم و افراطی‌گرایی در خاورمیانه و شمال آفریقا (با تأکید بر فعالیت‌های داعش)»، سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)، شماره ۴.
- ۱۳- درویشی سه‌تلائی، فرهاد و زهره همتی (۱۳۹۵)، «چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۱.

- ۱۴- زارعی، سعدالله؛ رمضان علی ابراهیم‌زاده گرجی و یونس باقری (۱۳۹۴)، «اندیشه در تحلیل: بررسی جغرافیای فکری داعش؛ فصلنامه داعش؛ از صلاح‌الدین عراق تا حلب سوریه»، رشدآموزش قران: علوم قرانی و حدیث، شماره ۴۸.
- ۱۵- ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۳)، «گروهک تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی‌های منطقه‌ای»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۴۵.
- ۱۶- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و روح‌الله سبزی (۱۳۹۴)، «شیوه‌های هویت‌جویی القاعده و داعش»، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰۲.
- ۱۷- عبدالباری، عطوان (۲۰۱۵)، الدوله الاسلامیه؛ الجذور... التوحش... المستقل. بیروت: دارالساقی.
- ۱۸- عمادی، سید رضی (۱۳۹۳)، «آشنایی با گروه تروریستی داعش»، ماهنامه صف، شماره ۳۹۹.
- ۱۹- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات: سمت.
- ۲۰- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های بین‌الملل، تهران: سمت.
- ۲۱- موسویان، سید حسین (۱۳۹۴)، ایران و آمریکا؛ گذشته شکست خورده و مسیر آشتی. چاپ دوم، تهران: انتشارات تیسرا.
- ۲۲- مهدی‌زاده سراج، الهه (۱۳۹۱)، «تلاش عراق برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای و موانع پیش رو»، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش‌های راهبردی، شماره ۴۲۶.
- ۲۳- میر یوسفی اول، علیرضا (۱۳۹۵)، «تناقضات راهبردی ایالات متحده امریکا و موضوع همکاری با ایران»، فصلنامه روابط خارجی، شماره اول.
- ۲۴- نجات، سید علی (۱۳۹۴)، «گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)، شماره ۶.
- ۲۵- نوربخش، یونس و منصور مهدی‌زاده (۱۳۹۴)، ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی - اجتماعی گرایش به آن، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲.
- ۲۶- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۹۲)، چالش‌های وهابیت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- ۲۷- یزدانی، عنایت‌الله و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۵)، «دگرگونی‌های سیاسی عراق و روابط ایران و آمریکا»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۶-۲۲۵.
- ۲۸- یوسفی، جعفر (۱۳۹۵)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در بحران سوریه و عراق»، مجله پژوهش ملل، شماره ۴.

منابع غیر فارسی

- 1- Afrasiabi, K. L. (2014). The New Iraq Crisis: Iran's Options. Available At: <Http://Www.Iranreview.Org/Content/Documents/The-New-Iraq-Crisis-Iran-S-Options.Htm>.

- 2- Alipouryani, T., Sefidi, S., Moghadam, M. S. N., & Jomhour, A. (2015). Study About Reasons of Iraq Crisis and Its Effect on Iran Interests and Regional Geopolitics Case Study: Islamic State of Iraq and Syria (Isis). *International Journal of Review in Life Sciences*, 5 (2).
- 3- Bherer, O. (2014). Daech Est Plus Novateur Que Al-Qaida Pour Son Recruitment. Available At: http://www.Lemonde.Fr/Idees/Article/2014/12/08/Daech-Est-Plus-Novateur-Que-Al-Qaida-Pour-Son-Recrutement_4536613_3232.html.
- 4- Cordesman, A (2016). Iraq, Syria, And the Gulf: The Cost of an Isis-Centric U.S. Strategy. Center for Strategic & International Studies.
- 5- Cordesman, A. H., & Khazai, S. (2014). *Iraq in Crisis*. Rowman & Littlefield.
- 6- Erlich, R., & Scheer, R. (2016). *Iran Agenda: The Real Story of Us Policy and The Middle East Crisis*. Routledge.
- 7- Gulmohamad, Z. K. (2014). The Rise and Fall of the Islamic State of Iraq and Al-Sham (Levant) Isis. *Global Security Studies*, 5(2), 1-11.
- 8- Jervis, R. (1999). Realism, Neoliberalism, And Cooperation: Understanding the Debate. *International Security*, 24(1), 42-63.
- 9- Kagan, K. (2015). The U.S. Role and Strategy in The Middle East: Syria, Iraq, And the Fight Against Isis. Institute for The Study of War, September 16.
- 10- Mcinnis, K. J. (2015). Coalition Contributions to Countering the Islamic State. Congressional Research.
- 11- Mintz, A., & Wayne, C. (2016). *The Polyethnic Syndrome: Us Foreign Policy Decisions On 9/11, Afghanistan, Iraq, Iran, Syria, And Isis*. Stanford University Press.
- 12- Setear, J. K. (1996). Law in The Service of Politics: Moving Neo-Liberal Institutionalism from Metaphor to Theory by Using the International Treaty Process to Define Iteration. *Va. J. Int'l L.*, 37, 641.
- 13- Yossi, A. (2014). The U.S.-Led Campaign Against the Islamic State: Many Questions, Few Answers. Norwegian Peacebuilding Resource Center, Noref Expert Analysis – October 2014

منابع اینترنتی

۱- ائتلاف جدید روسیه، سوریه، عراق و ایران علیه داعش، قابل دسترسی در:

<http://www.khabaronline.ir/detail/461472/World/middle-east>

۲- تاکید ایران بر تمامیت ارضی عراق. قابل دسترسی در:

<http://www.jahannews.com/analysis/449486>